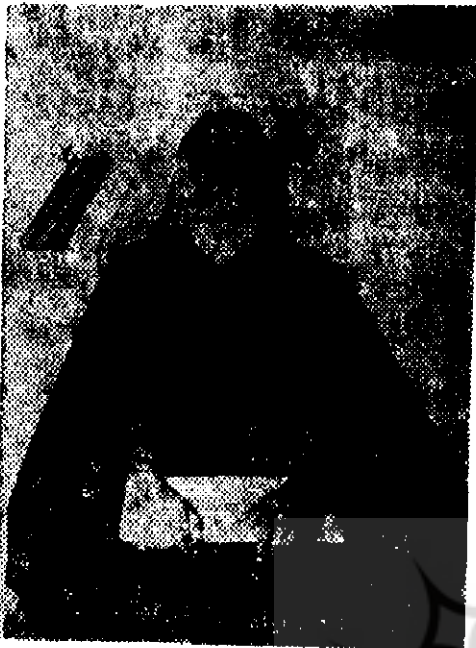


معلم حبیب آبادی



در روزهای تشکیل کنکرة ایرانشناسی در ضمن گفتگو با یکی از دوستان خبریافتم که معلم حبیب آبادی به رحمت ایزدی پیوسته است. از مرگ این دانشمند کسی را خبر نشد، آبی هم از آب تکان نخورد جز این هم نباید باشد. معلم حبیب آبادی کیست؟ و چکاره بوده؟ تسا برای ذکر مآثر او شعائری برپاشود. همین قدر میدانم که نامش محمد علی و شهرتش حبیب آبادی و مولدش دهکده حبیب آباد از دهستان برخوار اصفهان و تولدش بسال ۱۲۶۹ شمسی بود، آن دانشمند پیش از سی تألیف بزرگ دارد که یکی از آنها بنام (مکارم الآثار)، در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری ایران،

در بیش از ده مجلد بزرگ است که چهار جلد آن دره ۱۵۰ صفحه بقطع وزیری باحرف ریز به همت سید جلیل القدر محمد علی روضاتی در سالهای اخیر به چاپ رسیده است.

عمر حبیب آبادی در چنان آرامی و خاموشی به پایان رسید که کسی از آن مطلع نشد. زیرا کوکبه تشییع جنازه ای و شکوه مجلس ترحیمی و شرح حال باطنطنه و طمطراقی و آگهی های پرزرق و برقی و اعلام تسلیت های مختلف و متنوعی نداشت که بچشم و گوش کسی بخورد. حق هم همین بود، چون او نه خادم کسی بود نه مخدوم کسی، نان خود را می خورد و کار خود را میکرد و وجوه معاش را از دهقنت و کشاورزی بدست می آورد. با کسی کاری نداشت، سرش در کتاب بود، درس می خواند و درس می داد، نه از مزمره دموکراتها بود نه از دسته اعتدالیون، نه برای عمرو پادوئی می کرد و نه برای زید سخن چینی. به مهاجرت نرفته بود و بانایب حسین کاشی و ماشاءاله خان همکاری نداشت. بنابراین باید بی نام و نشان، در خانه روستائی خود غریب بمیرد.

با اینکه شرح حال بسیاری از رجال کاردان و زرنگار را بررسی کرد و چکیده مطالعات و تحقیقات خود را در دفتر نگاشت و از همه چیز باخبر بود معذالك حتی مورد توجه و عنایت نویسنده شیرین قلم و نقاد و پژوهنده هنر مند استاد باستانی پاریزی هم قرار نگرفت. رحمة الله علیه گوهر: از دوست محقق آقای محمد مشیری سپاس داریم که از نوشتن همین قدر از شرح حال آن مرحوم که میدانستند دریغ نورزیدند و برای درج فرستادند.